

«مفهوم نقش برجسته و پیشینه آن، مطالعه موردی نقش برجسته مرمرین نمای کاخ موزه سبز»

پژوهشگر: ناهید زندی (کارشناس ارشد کاخ موزه سبز-دیماه ۱۴۰۰)

تصویر: لیلی رئوف-آرشیو موزه

نقش برجسته (Relief) در واقع تکنیکی است که مجسمه های برجسته و نیمه برجسته را که بر یک سطح قرار دارند، به نمایش می گذارد، واژه نقش برجسته، فرم لاتین فعل "relevo" به معنی "raise" برخاستن می باشد، و در واقع مجسمه های برجسته ایی که از پس زمینه سنگی اثر خود خارج گردیده اند، و نمایانگر برشی از سطح سنگ و چوب به گونه (نقش برجسته حکاکی) میباشند، که در نتیجه آن پس زمینه قابل مشاهده نمی باشد.

تکنیک این روش برجسته سازی در سطح با استفاده از اسکنه chisel و قلم درز graving-tool که از سطح خارج می گردند و در واقع یک هنر وقت گیر می باشد که نیاز به دقت و توجه بسیار دارد. به عبارت دیگر یک نقش برجسته شکل کلی یک موضوع را حفظ می کند و درجه شکنندگی آن کم تر می باشند و مراقبت از آنان نسبت به مجسمه هایی که اطراف آنان کاملاً آزاد است راحت تر می باشد، البته گفتنی است که نقوش مجسمه از ناحیه زانو که برجسته تر می باشند آسیب پذیر تر هستند، نقوش برجسته دارای درجه بندی متفاوتی هستند و بسته به میزان پیش آمدگی و طرح ریزی اشکال مجسمه ها از پس زمینه به سه گروه دسته بندی می شوند و دارای واژه های فرانسوی و ایتالیایی هستند که در زبان انگلیسی استفاده می گردند و عبارتند از:

۱) نقش برجسته های کامل (high Relief): شامل نقش برجسته های درجه اول که (alto-rilievo-haut-relief) نامیده می شوند جائیکه بیش از 50% عمق نشان داده شده است و قسمت هایی نیز ممکن است جدا نشده باشند در واقع در آن بخش از مجسمه به صورت سه بعدی ساخته می شوند و بیشتر در ایتالیا متداول می بوده.

۲) نقوش نیمه برجسته (mezzo rilievo): و (rilief-mid) که درجه دوم یا نقوش برجسته کوتاه (low-relief) و یا (bas-relief) نامیده می شوند و به آن سایه برجسته نیز می نامند. به گونه ایی که نقوش برجسته چندان از پس زمینه خارج نگردیده است و این تکنیک در شرق باستان بین النهرین، آشور و ایران کاربرد داشته است.

۳) نقوش برجسته عمقی (sunken-relief): که در آن تصویر بر روی سطح کنده کاری و حکاکی می شود. و بیشتر در مصر باستان متداول بوده است.

در رابطه با پیشینه این هنر بصری یعنی هنر نقش برجسته کاری باید اذعان داشت که زمانیکه بشر توانست از ابزار استفاده نماید شروع به حکاکی و کنده کاری بر روی دیواره غارها و محل سکونت خود نمود که قدیمیترین نمونه آن از نوع نقش برجسته کم عمق "bas-reliefe" که به صورت ردیف هایی از نقوش زیگزاگ zig zag است و بر روی صدف حکاکی شده در منطقه ترینیل (Trinil) در کشور اندونزی بنا به دست آمده است که تاریخ آن ۵۴ هزار سال پیش یعنی در حدود پارینه سنگی میانه midle-paleolithic باز می گردد و در واقع توسط انسان هومو ارکتوس Homo-erectous ساخته شده است.

در ادامه گفتنی است که قدیمی ترین مجسمه های سنگی stone sculptures، که تاکنون ساخته شده اند می توان به پیکرک های ونوس اشاره نمود که در حدود ۳۰ هزار سال پیش پارینه سنگی جدید upper paleolithic در اروپا یافت گردیده و تحت عنوان ونوس ویلندورف می توان نام برد در نزدیک دهکده ویلندورف اتریش یافت گردید و نمونه هایی از این پیکرک ها در غارهای Cap Blanc/ Roc - de sers / Roc- aux- sorciers یافت گردید.

در واقع جوامع دوران سنگ paleolithic societies از ابزارهای حکاکی سنگی استفاده می نمودند و به منظور حک کردن نقوش بر روی شاخ و استخوان، و در واقع این امر خود سرآغاز هنر نقش برجسته کاری و مجسمه سازی در قرون متمادی بعدی گردیده است.

میتوان اذعان داشت که هنر نقش برجسته کاری یک فرم هنری تلفیقی است که چندین تکنیک را با یکدیگر ترکیب می نمایند و هنر تصویری دو بعدی two-dimension و سه بعدی three-dimension را خلق می نمایند.

به عبارت دیگر یک نقش برجسته مانند یک تصویر، وابسته به سطح زمینه خود می باشد و composition کامپوزیسیون آن باید گسترش یابد و در یک قاب panel به منظور اینکه قابل مشاهده باشد قرار گیرد.

در میان کشورهای باستانی که هنر سنگتراشی دارای اهمیت بسیار بوده کشور ایتالیا Italy همواره دارای جایگاه ویژه‌ای در هنرهای بصری را دارا بوده است، سنگتراشان رم باستان دوره قرون وسطی medieval به منظور نمایش تمامی حوادث و صحنه ها و اتفاقات اعم از جشن، شادی، صحنه های بار عام، خوش آمد گویی، از نقوش برجسته آزاد استفاده می کردند و در واقع دارای شباهت کلی با مجسمه های یونانی را دارا بوده اند، خصوصاً در نمایش نقوش برجسته آزاد در دوره رنسانس renaissance در قرون (۱۷-۱۴) متداول می گردند و در دیوار بناهای تدفینی funerary و بعداً بر روی بناهای یادبود عمومی و در نماهای " سنتوری نئوکلاسیک " Neoclassical pediments " و سر درهای ورودی کاخ ها و بناهای اجتماعی

El. Safari, [12/25/2021 11:07 AM]

نظیر تماشاخانه کولو سئوم -colosseo به لا تین colosseum متداول میگردد.

در واقع هنرمندان سنگ تراش ایتالیایی، به منظور نمایش موضوعات بصری در نماهای کاخ ها و بناهای یادبود، از تکنیک برجسته کاری (High relief) که به زبان ایتالیایی (alto-rilievo) می باشد استفاده می نمودند به گونه‌ایی که بیش از نیمی از اشکال مجسمه از پس زمینه خارج گردیده است که در این روش عنصر برجسته (High - relief) و نیمه برجسته (mid - relief) به روش تلفیقی در داخل یک قاب و چارچوب مشخص قابل مشاهده می باشند.

در ادامه گفتنی است که هنرمندان سنگ تراش ایتالیایی با استفاده از پنل panel یا " چهارچوب قاب سنگی " که در اواخر قرون 15 و 16 میلادی کاربرد داشته است به نمایش موضوعات مشخص می پرداختند و این روش تزئینات مفهومی به منظور نمایش صحنه ها و حوادث مهم کاربرد داشته است و در نماهای تزئینی به صورت گسترده بوده اند ، پنل ها با اشکال قاب مربعی و قاب مستطیلی در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی متداول می گردند و خصوصاً به منظور اعاده احترام به یک ملک اربابی نظیر کاخ سلطنتی به کار می رفته است، و در این روش بر روی پنل های چوبی به منظور نمایش موضوعات مذهبی در سردر ورودی کلیسا ها و اماکن مذهبی نیز کاربرد داشته اند.

از دیگر ویژگی های کاربردی پنل ها panel و قاب های نماهای ورودی ایجاد قرینگی و کنتراست (Contrast) فضایی در نماهای کلی ساختمانها می بوده است که فضاهای درونی و بیرونی را به یکدیگر مرتبط می کرده‌اند و موجب توجهات به منظور ساخت اصلی و اولیه بنا می شده اند.

✦ نقش برجسته نمای شمالی کاخ موزه سبز:

در دو طرف نمای ورودی کاخ موزه ، جاییکه در پهنه گسترده و سرسبز مجموعه سعدآباد قرار گرفته است، ما شاهد حضور دو نقش برجسته سنگی مرمرین می باشیم که در دو سوی دیوار ورودی کاخ سبز در داخل یک قاب سنگی (panel) مربع شکل حکاکی شده اند، و در واقع جوانان نوازندهایی که ادوات موسیقی در دستشان می باشد و کودکانی که در حال رقص و پایکوبی هستند، را نمایانگر می سازد.

چنانکه گفته شده، این دو قاب سنگی برجسته هدیه ای از طرف کشور ایتالیا به ایران بوده است که در حدود سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۷ به ایران انتقال داده شده و در هنگام ساخت بنا، بر روی نمای شمالی کاخ سبز نصب گردیده است.

سنگ مرمر این دو نقش برجسته از معادن سنگ کارارا (Carrara) که به زبان رومی (luna marble) نامیده می شود و گونه ایی از سنگ مرمر سفید یا آبی خاکستری مشهور است ، که به منظور ساختن مجسمه ها و یا ستون ها و همچنین تزئینات ساختمان به کار می رفته است، و از زمان رم باستان این معادن مورد استفاده قرار می گرفته است. معادن نامبرده در کوه های بیرون شهر کارارا Carrara، در ایالت Messa در نزدیک شهر lunigiana ، شمالی ترین نقطه توسکانی Tuscany مدرن قرار گرفته است.

با توجه به اینکه درصد سفید خالص آن (statuario) بالا بوده از اینگونه برای مجسمه های بناهای تاریخی (Monumental Sculpture) با ویژگی قابلیت درخشندگی بالا (high tensile strength) و همچنین نمایش جزئیات کاربرد فراوان داشته است.

تکنیک به کار رفته در این نقوش برجسته (High relief) که همان نقوش برجسته حجیم و برآمده از زمینه است که به زبان ایتالیایی (altorilievo) نامیده می شود و به گونه ای است که بیش از نیمی از پیکرک ها و مجسمه ها از پس زمینه خارج گردیده اند و در این میان دو عنصر برجسته، ترکیبی از سرها و دست و پاها می باشند که اغلب کاملاً از پس زمینه جدا گردیده اند، البته لازم به ذکر است که با توجه به فضای زمینه، بخش هایی از موضوع به حالت نمایش (ترسیمی) (depict) هستند و نقوش برجسته کم عمق به حالت "Squashed flatter" در واقع به حالت محو در زمینه دیده می شوند.

گفتنی است که این شیوه نمایش بزم و شادی از دوره رنسانس (Renaissance) قرون ۱۷-۱۴ میلادی متداول می گردد. که در آن عده ای نوازنده در حال بزم و پایکوبی می باشند.

و در واقع ریشه اینگونه نمایش موسیقایی از اواخر قرن ۱۲ در ایتالیا مند اول می شود که پیش از آن در فرانسه شکل می یابد که اصطلاحاً تحت عنوان "Trovatori" گفته می شده است، و نوازندگان آن را (troubadours) می نامیدند.

البته موسیقی فلکوریک ایتالیایی به عنوان بخش از میراث فرهنگی آن سرزمین حائز اهمیت می بوده است، که البته لازم به ذکر است که هر منطقه ابزار موسیقایی و رقص مربوط به منطقه خود را دارا بوده است که همراه با آواز خوانی و بزم شادی می بود. از نکات جالب توجه در نقوش برجسته می توان به آلات و ادوات موسیقایی آن اشاره نمود که شامل: (1) بربط (2) چنگ (3) فلوت (4) طبل

ساز بربط Barbat:

ساز زهی، مضرابی، دارای کاسه طنین نسبتاً بزرگ و دسته ای کوچک بربط Barbat یکی از سازهای باستانی و اصیل ایران است که می توان نام و تصویرش را در آثار بازمانده از دوران باستانی تاریخ ایران مشاهده کرد، به عنوان، مثال جام سیمینی از عصر ساسانی، تصویر خنیاگری را نشان می دهد که بربط می نوازد و یا در رساله پهلوی "خسرو قبادان و ریدک" نام بربط barbat در ردیف چنگ، ون (نوعی چنگ که با چوب درخت زبان گنجشک ساخته می شده است) البته واژه آن به صورت (بربوت) و گاه بربود نیز تلفظ می شده است. وجه تسمیه اش ناشی از شباهت صوری کاسه اش به سینه (بر) مرغابی (بط) بوده است، و نکته قابل ذکر این است که یونانیان و رمیها از راه آناتولی یا آسیای صغیر با بربط آشنا شده اند و سازی را که حد فاصل میان بربط و لیر lyre (ایتالیایی) ساخته و آن را باربیتوس یا باربیتون نامیده اند.

ساز چنگ Harp:

از دیگر سازهایی که نوازندگان در حال نواختن می باشند، چنگ یا Harp می باشد که البته در نقش برجسته دوگونه آن حکاکی شده است، شخصی که نشسته ساز چنگ (medieval harp) مربوط به دوره قرون وسطی (15-5 میلادی) را می نوازد و شخص ایستاده ساز چنگ رنسانس (Renaissance) را در پشت صحنه در دست دارد و نیمه ای از آن نمایان است.

پیشینه ساز چنگ (Harp) در ادبیات پارسی بسیار کهن میباشد، و در مهری گلین که در بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ میلادی توسط دو باستان شناس پیناس دلوگاس (pinnas delougas) و هلن کانتور (Helene Kantor) در تپه چغامیش خوزستان یافته شد و مربوط به هزاره ۴ ق.م و دوران ایلامیان می باشد یک نوازنده چنگ منحنی را نشان می دهد. این چنگ ۶ رشته دارد.

و نمونه دیگری از چنگ Harp در سومر Sumer در حدود ۳۵۰۰ ق.م از داخل چندین گور در شهر باستانی اور (Ur) در بین النهرین یافت گردید. در واقع این سازی رشته ای است که با انگشت نواخته می شود که تکنیک نوازندگی آن در جهان ۸ انگشتی است، در واقع این ساز از یک قاب مثلثی شکل تشکیل شده است که ضلع عقبی;

جعبه تقویت کننده صدای ساز است، ضلع بالایی: به خطی منحنی که سیم ها بر روی آن ثابت می شوند، و ضلع جلویی: مانند ستونی استوار، نگهدارنده دو ضلع دیگر است.

و در نقش برجسته های طاق بستان نیز نوازندگان چنگ Harp را نشان می دهد که در قایق برای شاه ساسانی که به شکار گاه آمده چنگ می نوازند. گفتنی است که در دوره ساسانیان معروف ترین ساز چنگ Harp بوده است. و نکبسا و باربد موسیقی دانان معروف دربار خسرو پرویز در نواختن آن مهارت داشتند.

لازم به ذکر است چنگ های ایرانی دارای محبوبیت بسیار بوده اند و نوع عمودی آن Yobust در دوره هلنیسم Hellenistic در یونان بودند که همزمان با دوره ساسانیان در ایران کاربرد داشتند.

و در دوره قرون وسطی نمونه های کوتاه آن (medival- harp) نیز در اروپا دارای محبوبیت بوده اند که هر دو نوع در نقش برجسته فوق دیده می شوند.

ساز فلوت: Flute

از دیگر سازهایی که خنیاگران و نوازندگان نقش برجسته در حال نواختن می باشند فلوت Flute می باشد، گفتنی است قدیمی ترین ساز موسیقی جهان که تحت عنوان فلوت Flute از آن نام برده می شود و مربوط به ۶۰,۰۰۰ هزار سال پیش است و توسط انسان نئاندرتال در دوره ی پارینه سنگی میانی (middle paleolithic) در غار (Divije babe cave) در نزدیکی cerkno شهر کوچک در نزدیک اسلوینا Slovenio یافت گردیده است نمونه های فلوت های استخوانی نیز که از استخوان (griffin vulture کرس- عنقا) می باشد با قدمتی در حدود ۳۵۰۰۰ تا ۴۳۰۰۰ هزار سال نیز در جنوب غربی آلمان در منطقه Swabianvura در آلمان یافت گردیده است.

این ساز با توجه منشاء و خاستگاه دیرینه آن دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای می باشد، و توجه و علاقه به استفاده از آن منجر به ساخت انواع مختلف آن در فرهنگ های گوناگون شده است. و این ساز در ایتالیا در فرهنگ های مناطق مختلف به گونه های مختلف ساخته می شود و برای این ساز بادی ایتالیایی نام "zam pogna" که از لحاظ ریشه شناسی مربوط به "symphonia" یونانی که به معنی concord پیمان، توافق، و یا "unison of sound" هم آوایی، هم آهنگی می باشد و در واقع به عنوان نمادی از یک صدایی و اتحاد به کار میرود، و نوازنده این ساز موسیقی را biffera در منطقه Ciaramella و یا Lazio و یا pipita در دیگر مناطق ایتالیا می نامند که در واقع یک بیانگرو نمایشگرو همچنین یک نوازنده یا گوینده داستانهای فلکوریک (اساطیری) می باشد و در عین نواختن zam pogna رقص و پایکوبی و نقل داستان می پردازد.

ساز Tabor:

تاریخچه این ساز که از پوست درست می گردیده به دوران نوسنگی ۵۵۰۰ B,C که اکثرا از پوست "تمساح alligator" ساخته می شده باز می گردد. همچنین در نقوش برجسته های بین النهرین، مصر، یونان و همچنین تپه چغامیش یافت گردیده اند. و این ساز در مراسم جشن، مراسم قربانی، ارتباطات سمبلیک در توافقات نیز کاربرد داشته است، و به صورت گسترده همواره با Flute, pipe کاربرد داشته است، این ساز در میانه قرون وسطی (medival) از قرن ۵ تا اواخر قرون ۱۵ میلادی وجود داشته و در دوره - post classical اواخر قرون وسطی اهمیت جهانی می یابد.

و در آسیا در دوره طلایی اسلامی در قرون (8-14 میلادی) در میانه راه تجارتي آسیا آفریقا و اروپا کاربرد داشته است و با سقوط امپراتوری روم غربی و انتقال به دوره رنسانس (Renaissance) ۱-۱۴ میلادی مورد توجه قرار میگیرد.

اندازه اولیه طبل ها ۱۱-۱۲ inches و قطر آن ۱۰-۴ diameter بوده است. البته گفتنی است در دوره قرون وسطی قطر آن افزایش می یابد و ضربات ریتمیک آن هماهنگ با سازهای دیگر می گردد. در قرون ۱۹-۱۷ میلادی نوازندگان از دو چوب به منظور ایجاد ضربات استفاده می کردند و در واقع همراه با سازهای دیگر همچون فلوت (Flute) به منظور رقص و پایکوبی استفاده می کردند.

در پایان لازم است نامی از مجسمه ساز ایتالیایی با نام دوناتلو (Donatello di Niccolo حدود ۱۳۸۶-۱۴۶۶) است اسنادی توانمند و در واقع نخستین کسی است که نقش برجسته (Relief) را در معماری به کار برد و مجسمه سازی را تابع معماری نمود. او در واقع یکی از مجسمه سازانی است که به ویژه در خلق مجسمه های مرمری و برنزی دارای نامی برجسته در دوره رنسانس می باشد او

توانست با فلسفه نوپای اومانیسم (انسان مداری) که در دوران رنسانس شکل گرفت همراه شود و تاثیر سبزیایی در هنر مجسمه سازی و نقش برجسته کاری ایتالیا ایفا نماید.

منابع فارسی:

1) مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. مرکز پژوهشهای ایران اسلامی

2) لغت نامه دهخدا

((3)نگاهی به سازه‌های اصیل ایرانی، بریط)) بایگانی شده از اصلی فوریه ۲۰۰۷

4)ذاکره جعفری، نرگس (۱۳۸۹)، کتاب سال شیدا: مجموعه مقالات موسیقی، تهران: آوای شیدا .ص. ۱۳۴ ((بربت))، دانشنامه جهان اسلام.

منابع لاتین:

) [Http:// britannica.com.art1](http://britannica.com.art1)

) [Http:// en.m.wikipedia.org2](http://en.m.wikipedia.org2)

) [Http:// www.visual-arts-cork.com3](http://www.visual-arts-cork.com3)

) [Http:// Encyclopadia Britannca article alto-Aelievo.4](http://Encyclopadia Britannca article alto-Aelievo.4)

) [Http:// Encyclopadia Britannca article "Basso-Relievo"5](http://Encyclopadia Britannca article)

) Heibrunn Time line of art history6

) "American Relief sculpture" metro politan Museum of-art7

) [Http:// smart.history.khanacademy.org|nude_woman-venus of - willendorf.8](http://smart.history.khanacademy.org|nude_woman-venus_of_willendorf.8)

) Jan son, the scalpture of donatello , princeton,19639

) H.w.janson. "the sculpture of Donatello , princeton , 1957.11 , 77-86 ; Lanrie schneider , 10 "donatello's Bronze David " the Art Balletin , 55 (1973) 213-216.

) Donatello : Biography , style , and artwork11

) The new Grove Dictionary of music and musicians, ed.s sadie , london, 1998 : wdst. M.L.Ancient 12 Greek music. Oxford , 1992.

) "Henry George" Liddell, Robert scott .A13

Greek - English lexicon, on Perseus Digital library.

) "Palaeolenicon" world study tool of ancient language"14

) West, Martin (1992) Ancient Greek music. Oxford, UK: Oxford University Press.15

) "Europe's oldest stringed instrument "discovered on Scottish island" 28 March 201216

) Chisholm, Hugh, ed (1911), "Lyre. Encyclopædia Britannica (11th ed). Cambridge University Press.17

) Sachs, Curt". The Rise of music in the Ancient world, East and West (New York: W.W. Norton, 1943-18

) Sachs, Curt. "The History of musical instruments (New York: W.W. Norton, 1940)19